



کادشائی در علوم قرآنی

۱

کتابنا النزول

تألیف

دکتر سید محمد باقر حجتی

سرشناسه	: حجتی، محمدباقر، ۱۳۱۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: اسباب النزول / تألیف محمدباقر حجتی.
مشخصات نشر	: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۶ ص.
فروست	: کاوشهایی در علوم قرآنی؛ ۱.
شابک	: 978-964-430-334-0
یادداشت	: چاپ قبلی: وزارت ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات، ۱۳۶۵.
یادداشت	: چاپ چهاردهم: ۱۳۸۷ (فیبیا).
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۹۱-۲۹۶.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: قرآن -- شأن نزول
شماره ثبت	: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
رده بندی کتبی	: ۱۳۷۴ ۵الف۳ج۳/۲/۲۷۰ BPY
رده بندی دیوبی	: ۲۹۷/۱۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۱ - ۷۴م

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

دفتر مرکزی: پاسداران، میدان هروی، خیابان شهیداف خا، کوچه مریم، پلاک ۲۳. تلفن: ۲۲۹۳۶۱۴۰ - ۵۴ - ۲۲۹۴۰۰۰۵۴

اسباب النزول

تألیف: دکتر سید محمدباقر حجتی

با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ هجدهم: ۱۳۹۵

این کتاب در ۱۰۰۰ نسخه در چاپخانه کانونچاپ لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد

شابک: ۰ - ۳۳۴ - ۴۳۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

مدیریت پخش و توزیع: تهران، خیابان فردوسی جنوبی، روبروی فروشگاه شهر و روستا، بین بست اول و بست دوم، پلاک ۴ و ۵.

تلفن: ۳۳۹۲۰۳۰۷ - ۳۳۹۱۲۳۵۵

فروشگاهها و مراکز پخش:

- فروشگاه شماره یک: تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵
- فروشگاه شماره دو: تلفن: ۳۳۱۱۲۱۰۰ - ۳۳۱۱۴۲۸۸
- فروشگاه شماره سه: تلفن: ۲۲۸۵۵۱۶۴
- فروشگاه مشهد: تلفن: ۲ - ۳۳۲۱۴۸۳۱ - ۵۱
- نشانی الکترونیک: www.daftarnashr.com
- پیامک: ۳۰۰۰۴۸۵۰
- پست الکترونیک: print@dnfpub.com

خواهشمند است نظرات خود را درباره این کتاب با ذکر نام آن به صورت پیامک ارسال فرمایید.

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف

۱۱-۱۴

معنی اسباب النزول

۱۷-۱۸

□ معنی لغوی اسباب (۱۷)

□ معنی اصطلاحی اسباب النزول (۱۸)

انواع آیات و سه قسّم در رابطه با اسباب النزول

۱۹-۲۰

□ آیات و سوری که فاقد «اسباب النزول خاص» می‌باشند (۱۹)

□ آیات و سوری که دارای «اسباب النزول خاص» هستند (۲۰)

کتابی که درباره «اسباب النزول» تدوین شده است

۲۰-۲۲

□ معرفی پاره‌ای از این کتب تا قرن نهم (۲۰)

□ سخنی کوتاه از جعبری راجع به انواع آیات و سور قرآن در رابطه با «اسباب النزول» (۲۲)

مروری بر سه نوع اسباب لنزول

الف- حوادث و رویدادهای مهم:

۱- حوادث جالب و سازنده

۲۳-۵۲

□ سیری این چنین از سوسی حق در سوسی خلق [انفاق امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حال رکوع،

یا سبب نزول آیه «انما ولیکم الله ورسوله... ویؤتون الزکوة و هم را کعون»] (۲۷)

- بخشش و ایثاری که - اگر جهان، حاتم طائی می بود روا است بر آن رشک برد [اطعام مسکین و یتیم و اسیر یا سبب نزول سوره «هل اتی»] (۳۰)
- ★ سخن ابن شهر آشوب درباره نزول سوره «هل اتی» (۳۲)
- ★ نزول سوره «هل اتی» درباره اهل البیت (علیهم السلام) ساخته روافض نیست (۳۶)
- ★ نمونه هائی از مصادر اهل سنت که بازگو کننده نزول سوره «هل اتی» درباره اهل بیت (علیهم السلام) می باشد (۳۷)
- ★ اشعاری از فریقین درباره نزول سوره «هل اتی» راجع به اهل البیت (علیهم السلام) (۴۲)
- پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از مؤمنان روی گردان نیست:
- سوره «عبس» و نکات ظریف اخلاقی (۴۶)
- ★ داوری درباره دثه مربوط به سبب نزول سوره «عبس» (۴۷)
- ★ نظر بشارت دیگران در این باره (۴۸)
- ★ نظریه صحیح درباره سبب نزول سوره «عبس» (۵۰)

۲ - حوادث زشت و ویرانگر

۵۲ - ۵۸

- دسیسه یهودیان و فتنه انگیزی آنها با مسلمین [سبب نزول «یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا فریقاً من الذین اتوا الكتاب بردوکم...»] (۵۱)
- لغزش و اشتباه فاحش و غیر قابل اغماض مردم در باره رازگونه سوره «قل یا ایها الکافرون» (۵۴)
- افشاء و خنثی سازی ترندهای منافقین: «مسجد ضرار» [سبب نزول: «والذین اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین...»] (۵۵)

ب - پرسشهای مردم از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)

انواع پرسشهای مردم و پاسخهای قرآنی

۵۹ - ۶۵

- مشیت الهی و اهمیت نقش آن در پیشرفت کارها و تحقق امور [گزارش سبب نزول: «ولا تقولن لشیء انی فاعل ذلك غداً الا ان یشاء الله...»] (۶۱)
- مطالب روز «سؤال از روح»: [در رابطه با: «ویسئلونک عن الروح...»] (۶۲)
- مطالب مربوط به آینده «سؤال از لحظه وقوع قیامت»: [«یسئلونک عن الساعة ایان مرسیها...»] (۶۳)

۶ [نمونه هائی از آیات که در آنها راجع به مسائل مختلف، سؤال مردم مطرح است] (۶۴)

ج - مشخص کردن موضع مسلمین در مسائل حساس و مهم (۶۷)

مسائل قابل بحث و بررسی درباره «اسباب النزول»

مسأله اول - قوائد معرفت و شناخت اسباب النزول

۶۹ - ۱۰۲

□ مقدمه (۷۰)

□ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آگاه‌ترین و تواناترین فرد به «اسباب النزول» (۷۳)
فائده اول شناخت «اسباب النزول»:

باز یافتن وجد و راز حکمت الهی در نحوه تشریح و قانونگذاری:

* [ایجاد شود در مؤنثین برای اجرای قانون الهی، و پدید آمدن انعطاف در کافرین] (۵۷)
فائده دوم شناخت «اسباب النزول»:

تخصیص حکم به سبب از دیدگاه کسانی که ملاک را عبارت از خصوص سبب می‌دانند نه عمل
لفظ:

* [ظهار اوس بن صامت در قالب مربوط به آن و نزول سوره مجادله «قد سمع الله قول التي تجادله
فی زوجها... الذين یظنون انهم من نساءهم ما هن اماتهم...»] (۷۵)
فائده سوم شناخت اسباب النزول:

عدم خروج سبب نزول از حکم این صورتی که حکم عام آیه مشمول تخصیص باشد:

* [جریان زمعه و کنیز او، و سخن از: «الولد للفراش وللعاهر الحجر»] (۸۰)
فائده چهارم شناخت «اسباب النزول»:

وقوف و آگاهی به مدلول صحیح آیات و روح ابهام از جهت مفاهیم آنها:

□ نمونه هائی از برداشتهای نادرست در تفسیر آیات به خاطر عدم اطلاع از سبب نزول آنها (۸۳)

* [اشتباه مروان بن حکم در فهم آیه: «لا تحسین الذین یفرحون بما آتوا ذلک...»] (۸۳)

* [استشهاد نادرست عثمان بن مظعون و عمرو بن معدی کرب درباره آیه: «... الذین آمنوا و
عملوا الصالحات جناح فیما طعموا...»] (۸۵)

* [رفع اشتباه از رهگذر وقوف بر سبب نزول: «واللائئ یشن من المحیض من نساء کم ان ارتبتم
فعدتھن ثلاثة اشھر...»] (۸۷)

* [تفسیر واژگونه «ولله المشرق والمغرب فاینما تولوا...» بر علت عدم آگاهی به سبب نزول آن]
(۸۹)

* [تفسیر نادرست «ان الصفا والمروة من شعائرالله... فلا جناح علیه ان یطوف بهما...» به خاطر
عدم آشنائی به سبب نزول آن] (۹۲)

فائده پنجم شناخت «اسباب النزول»:

دفع توهم حصر و اختصاص در مواردی که ظاهراً مفید حصر و اختصاص است:

* [با شناخت سبب نزول: «قل اجد فی ما اوحی الی محرماً... الا ان یکون مبته اودماً...» توهم

حصر راجع به آن از میان می رود] (۹۵)

فائده ششم شناخت «اسباب النزول»:

کسب اطلاع راجع به شخص یا اشخاصی که آیه درباره آنها نازل شد:

* [بحث و بررسی در آیه «والغی قال لوالدیدا ف لکما...» در رابطه با این فائده] (۹۹)

فائده هفتم شناخت «اسباب النزول»:

تسهیل حفظ و درک آیات و تثبیت آنها در ذهن

* [تداعی حاضری و افکار و خاطرات] (۱۰۲).

مسئله دوم - آیا ملاک عموم لفظ است یا خصوص سبب

۱۰۳ - ۱۵۷

□ مقدمه (۱۰۳)

● چند نمونه از آیاتی که عموم لفظ در آنها معتبر است نه خصوص سبب:

□ الف: آیه ظهار: «الذین یطأون رؤسهم من نساءهم...» (۱۰۴)

□ ب: آیه لعان (۱۰۴)

* [بررسی مربوط به آیه قذف: «والذین یرسبون...» و «والذین یرسبون...» در آیه قذف، و پاسخ الهی و حل این

در تحقیق مربوط به آیه لعان] (۱۰۴)

* [شکایات سعد بن عباد و هلال بن امیه و دیگران در رابطه با آیه قذف، و پاسخ الهی و حل این

مشکل از طریق نزول آیه لعان] (۱۰۵)

□ گزارش اجرای لعان درباره هلال بن امیه و همسر او (۱۰۷)

□ گزارش اجرای لعان به روایت ابن عباس و مقاتل درباره خوله و همسر او (۱۰۹)

□ ج - حد قذف در رابطه با کسانی که عایشه را مورد اتهام قرار دادند «آیه افک» (۱۱۱)

□ نکات مهم اخلاقی و اجتماعی در آیات افک:

۱ - این تهمت مضمن خیر شما [مسلمین] است: ان الذین جاؤا بالافک... لا تحسبوه شراً

لکم...» (۱۱۲) ۲ - چرا حُسن ظن به خودتان را از دست می دهید: «لولا اذ سمعتموه ظن

المؤمنون...» (۱۱۳) ۳ - اهمیت این تهمت: «لولا فضل الله علیکم ورحمته... لمسکم

فیما افضتم... وهو عند الله عظیم» (۱۱۵) ۴ - چرا حتی این تهمت را بازگو کردید؟: «ولولا

اذ سمعتموه قلتُم مایکون لنا ان نتکلم...» (۱۱۵) ۵ - شایعه سازان باید از عذاب خدا

بترسند: «ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة...» (۱۱۶) ۶- شایعه سازان پیرو شیطان
 هستند: «يا ايها الذين آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان...» (۷۱۷) ۷- احسان و گذشت به کسانی
 که نسبت به انسان بدی کردند: «ولا يأتل اولوا الفضل والسعة منكم ان يؤتوا...» (۱۱۷)
 ۸- تهمت و کيفران: «ان الذين يرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا...» (۱۱۸)
 ۹- کاربرد مجانست و سخنيست افراد با يکديگر: «الخبثات للخبثين...» (۱۲۱) ۱۰-
 نتیجه بحثهای گذشته (۱۲۲)

● بررسی روایات مربوط به افک:

□ اول: روایت مربوط به افک در رابطه با عایشه (۱۲۲)

□ دوم: روایت مربوط به افک در رابطه با ماریه (۱۲۹)

● اشکالات مربوط به علامه طباطبائی به هر دو روایت:

□ اشکالات موجود در روایات افک در رابطه با عایشه: اشکال اول (۱۳۲) اشکال دوم (۱۳۴)

اشکال سوم (۱۱۱)

□ رأی و نظریه درست روایات با آیات افک و قذف (۱۳۸)

بازگشت به ماأله «الاملاک عموم لفظ است و یا خصوص سبب؟»

* [سوره همزه و سبب نزول آن] (۱۴۱)

* [اعتبار عموم لفظ در: «ومن الناس من به جح قوله في الحياة الدنيا...»] (۱۴۲)

□ طرح یک ایراد و پاسخ آن در رابطه با مسائل مربوط به (۱۴۳)

□ موردی که علی رغم بعمیر عام، خصوص سبب در نظر است: «الذين آمنوا ولم يلبسوا

ایمانهم...» (۱۴۳)

□ موردی که علی رغم تعبیر عام، خصوص سبب در نظر است: «الذين آمنوا ولم يلبسوا

ایمانهم...» (۱۴۳)

□ موارد متعددی که علی رغم خصوص سبب، عموم لفظ، معتبر و ملاک حکم می باشد:

۱- «السارق والسارقة فاقطعوا ايديهما...» (۱۴۴) ۲- بررسی بیهوشی: «ويستفتونك

قل الله يفتيكم في الكلاله...» ضمن گزارش گفتاری از ابن تیمیه در رابطه با اعتبار عموم لفظ

و عدم اعتبار خصوص سبب (۱۴۵)

* [گزارشهایی از مفسرین درباره سبب نزول آیه کلاله] (۱۴۶)

* [نظریه مفسران درباره سبب نزول: «وان احکم بينهم بما انزل... واحذرهم ان يعتنوک عن بعض

ما انزل الله...»] (۱۴۷)

یادآوری یک نکته مهم درباره مسأله دوم

□ حکم و قاعده در صورت تخصیص بودن لفظ و سبب چیست؟

* [بررسی سبب نزول «وسيجنبها الاتقى الذى يؤتى ماله...» و رد نظریه اهل سنت درباره سبب نزول آن] (۱۵۱)

مسأله سوم — وجود شبیه به سبب نزول خاص در آیات عامی
که فاقد سبب نزول خاص می باشد

۱۵۸ — ۱۶۷

* [بحث و بررسی درباره آیه امانات: «ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها...» و تناسب آن با سبب نزول: «الم تر الی اللّٰذین اوتوا نصحیاً من الکتاب یؤمنون...»] (۱۵۸)
□ پاسخ به یک ایراد در رابطه با آیه امانات و آیات ماقبل آن (۱۶۳)
□ سخن طبری درباره آیات امانات (۱۶۴)

مسأله چهارم — مصادر اسباب النزول و تعبیری که می تواند
بازگو کننده اسباب النزول باشد

۱۶۷ — ۱۷۶

□ سخن بزرگان در این باره: محمد بن سیرین و دیگران (۱۶۷)
* [گزارش سبب نزول: «فدر ربک یؤمنون حتی بحکموک...»] (۱۶۸)
□ سخنان دانشمندان درباره تعبیر شرط سبب نزول: حاکم نیشابوری، ابن تیمیه، زرکشی (۱۷۱)

□ سبب نزول عبارت از واقعه ای است که آیه در ایام وقوع آن نازل شده است (۱۷۳)
□ یادآوری یک نکته: احادیث تابعین در رابطه با اسباب النزول تحت چه اصطلاحی در حدیث مندرج است؟ (۱۷۵)

مسأله پنجم — در صورت ذکر اسباب متعدد در مورد آیه ای که یک از آنها باید به عنوان
سبب نزول اعتماد کرد؟

۱۷۶ — ۲۲۰

● [انواع حالاتی که در این مسأله قابل تصور می باشد]:

□ حالت اول (۱۷۶)

□ حالت دوم (۱۷۷)

* [بررسی آیه «نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم» و نظریه فقهاء و مفسرین شیعه راجع به آن (۱۷۷)
□ حالت سوم: ۱ — سبب نزول آیات سوره «والضحی» (۱۸۰) ۲ — سبب نزول «اینما تولو اقمتم...» (۱۸۴)

● به کدامیک از احادیثی که درباره سبب نزول «اینما تولو اقمتم...» می توان اعتماد کرد؟ (۱۸۷)

● ۳- سبب نزول: «وان كادوا ليفتنونك عن الذي اوحينا اليك...» (۱۸۷)

□ حالت چهارم مربوط به تعدد اسباب و وحدت نازل:

* بررسی این حالت در: «يسئلونك عن الروح قل...» (۱۹۱)

● مروری بر سخنان مرحوم علامه طباطبائی راجع به مفهوم روح (۱۹۴)

● وجه تسمیه روح به «کلمه» (۱۹۶)

● انواع روح در مضامین قرآن کریم (۱۹۹)

● گذری بر آراء مفسرین درباره روحی که مردم از آن سؤال کردند و پاسخی که راجع به آن نازل شده است.

● مروری بر اختلاف نظر مفسرین در معنی «قل الروح من امر ربي» (۲۰۳)

● مخاطب «وه» و «یتیم من العلم الا قليلاً» چه کسانی هستند؟ (۲۰۳)

□ حالت پنجم مربوط به تعدد اسباب و وحدت نازل:

● مثال و نمونه ای رای این حالت: ۱- آیه لعان: «والَّذِينَ يَرْمُونَ ازواجهم...» (۲۰۴)

□ حالت ششم: عدم امکان رد اسباب و وحدت نازل = تکرار نزول:

● چند مثال برای این حالت:

۱- آیه «ما كان للنبي والدين...» استغفر واللمشركين...» و گزارشی مبنی بر رد نظریه

اهل سنت راجع به شرك ابی (۱۰۷) ۲- آیه «وان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم...»

(۲۱۵) توجیه ابن حصار درباره تکرار نزول این آیه (۲۱۸) ۳- آیه «يسئلونك عن الروح...»

(۲۱۹)

یادآوری یک نکته سوله

ایجاد دگرگونی در تعبیر مربوط به «اسباب النزول از...» در «ان»

۲۲۱ - ۲۳۳

* چند مثال در این باره:

□ مثال اول - آیه: «وما قدر و الله حق قدره از قالوا...» (۲۲۱)

* تفسیر آیه مذکور از دیدگاه مرحوم علامه طباطبائی (۲۲۲)

□ مثال دوم - آیه: «من كان عدواً لجبريل فانه نزله...» (۲۲۷)

□ بررسی آیه مذکور و احادیثی که درباره سبب آن یاد کرده اند. نظریه بروسوی و ابوالفتح رازی

(۲۲۸)

□ نتیجه این بررسیها (۲۳۲)

یادآوری نکته دیگر
وحدت سبب و تعدد نازل
۲۳۴ - ۲۵۶

★ چند مثال در این باره:

● مثال اول - آیه های زیر:

★ [۱ - آیه شامه جاب لهسم انی لاضیع عمل عامل...] (۲۳۵) ۲ - «ان المسلمین

والله حماة...» (۲۳۵) ۳ - «ولا تمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض...» (۲۳۶)]

□ روایاتی دیگر درباره سبب نزول آیه های مورد بحث (۲۳۷)

□ سخنی از محمد رشید رضا در تفسیر المنار (۲۳۸): بررسی عوامل برتری افراد نسبت به یکدیگر

(۲۴۱) نکته ای ظریف در سبب نزول آیه های «ولا تمنوا ما فضل...» (۲۴۳)

● مثال دوم برای وحدت سبب و تعدد نازل:

★ سؤال فردی نابینا در رابطه با آیه «الایتنوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر...» (۲۴۴)

□ بررسی اقوال مفسرین راجع به سبب نزول آیه مذکور (۲۴۵)

● مثال سوم برای وحدت سبب و تعدد نازل:

★ [آیه: «یحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا کلمه الکفر...»] (۲۴۹)

□ داوری در مورد روایاتی که درباره سبب نزول «یحلفون بالله ما قالوا...» (۲۵۴)

□ سخن میبیدی درباره سبب نزول آیه مذکور (۲۵۵)

فهرست آیات، احادیث و آثار، اشعار

۲۵۹-۲۷۱

الف- آیات (۲۵۹-۲۶۵) ب- احادیث و آثار (۲۶۶-۲۶۸) ج- اشعار (۲۶۹-۲۷۱)

فهرست اعلام

نامهای اشخاص و گروهها، کتب و نوشتارها، امکنه و جایها

الف- اشخاص و گروهها (۲۷۲-۲۸۲) ب- کتب و نوشتارها (۲۸۳-۲۸۸) ج- امکنه و

جایها (۲۸۹-۲۹۰)

فهرست منابع و مصادر

۲۹۹-۲۹۱

الذی انزل علی عبده الكتاب، یدی به الی الرشد
 من اتبع رضوانی فکون من الصلوة والسلام علی نبیه الذی ارسله کافة للناس حتی یدیهم
 الی خیر مصبر ومآب، وعلی امة المهدیین المنتجبین الاطیاب.

از دیرباز عمده شغفت و مجال نمود را در عرصه علوم قرآن مصروف می دارم، و تاکنون چند اثر ناقابل در این زمینه با علاقه مندان و شیفتگان این علوم تقدیم داشته ام.

حدود پنج سال قبل - به ساقه ه - بین اشتیاق - دست اندر کار ترجمه و شرح کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» جلال الدین یوسف شدم، به بخشهای نسبتاً قابل توجهی از آنرا به زبان فارسی برگردان و گزارش نمودم. اما چون اطلاع یافتیم یکی از فضلاء سالها قبل از آن بدین کار آغاز کرده و ترجمه ایشان در به نماه است، نخواستم مساعی این برادر عزیز در جنب کاری که بدان آغاز کردم تکرار شود.

پس از آنکه ترجمه یاد شده این برادر چاپ و منتشر شد، دومین سری از تعابیر آن مفهوم نیست، و علاوه بر این هفواتی در آن جلب نظر می کند، و نیرپاره ای از گفته های میویسی - در موارد بسیار - نیاز به نقد و تحلیل و بررسی دارد، که ترجمه مذکور از این نظر دچار کمبود فاحش و غیرقابل اغماض می باشد.

ضمن تدریس علوم قرآنی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی بخشهایی از متن عربی «الاتقان» را به عنوان کتاب درسی قرار داده، و در نتیجه جزوه هایی در این زمینه به فارسی فراهم آوردم که ضمن آن لغزشها و نارسائیهای که در مطالب «الاتقان» به نظر می رسید مورد نقد و بررسی قرار داده، به تکمیل آن همت گماشتم، و برحسب ترتیب

مطالب این کتاب، نبش‌تاری پرداختم که نارسائیهای این کتاب را جبران کرده، خرده‌های آنرا پیراستم و مضافات آنرا از هم گشودم.

از آنجا که منابع و مصادر شیعی سرشار از ذخائری در علوم قرآن می‌باشد، مطالبی در زمینه آن فراهم آوردم و مجموعه‌ای را پرداختم که از چنین ذخائر مستفیض است.

این مجموعه که به تدریج تنظیم خواهد شد، هر باب و یا هر چند بابی از آن به صورت مستقلی درمی‌آید که ان‌شاء الله تعالی به علاقه‌مندان علوم قرآن تقدیم می‌شود. کتابهایی که قسمتی از آنها فراهم گردید در زمینه تمام علوم قرآن می‌باشد که اینک نوع مربوط به «اسباب النزول» برای چاپ و انتشار آماده گشته، و در صورتی که مورد استقبال قرار گیرد انواع دیگر علوم قرآن به همین صورت و با استمداد از منابع فریقین در دسترس مشتاقان این رشته از علوم اسلامی قرار خواهد گرفت.

می‌دانیم:

زمینه اسباب النزول کتابهای زیادی نوشته شده است؛ از جمله جلال‌الدین سیوطی که کتاب جداگانه‌ای به نام «لباب التقول فی اسباب التزول» را نگاشته، و پس از آن نازکی آن، یک نوع از انواع علوم قرآن را تحت عنوان «اسباب التزول» در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» - نیز به این مسأله اختصاص داده، به بحث و گفتگو درباره آن پرداخته است.

سیوطی از جمله نه ... موفق ولی گرفتار خودستانی و غرور در مورد آثار خود می‌باشد که این خودستانی، بآ در طی نوشته‌هایش آشکارا جلب نظر می‌کند. ما در زمینه اسباب النزول علاوه بر آنکه در عمده مسائل مربوط به آن از مصادر شیعی مستفید و بهره‌مند هستیم - در دستگاری از آراء سیوطی به نقد و تحلیل نشستیم، و بسیاری از مطالب مربوط به این موضوع که در کتاب «الاتقان» مطرح کرده است به مدد ادله قاطع مردود ساختیم.

کتاب ما در زمینه «اسباب التزول» اگرچه ناظر به نوشته‌های وی می‌باشد و سبک ترتیب او در مد نظر ما بوده است، اما باید آنرا کتابی جداگانه و مستقل، و نبش‌تاری متفاوت تلقی کرد که می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مشکلات باشد که سیوطی موفق به حل آنها نشده، و لذا سخت به بیراهه افتاده است، و طرحهایی از پیش خود پرداخته که ناگزیر برای اشباع این طرحها از روایات ضعیف بهره‌جسته است، و به اصطلاح: شعر گفته، و چون قافیه را باخته ناگزیر لاطنلاتی را بافته تا از مخصصه قافیه‌پردازی رهایی یابد.

کتاب حاضر از نظر کمیت چندین برابر مطالبی است که سیوطی در

«لباب النقول» و «الاتقان» آورده است.

مطالعه کنندگان این کتاب احیاناً با اینگونه ناروا گوییهای سیوطی مواجه شده،
سخیف بودن آنها را با توجه به ادله کافی باز می‌یابند.

سعی نگارنده بر آن است که در تمام ابواب کتاب سیوطی به همین صورت به
نقد و تحلیل و تشریح نشسته، آثاری را — ان شاء الله — در علوم قرآن بنگارم و اگر مطالبی
در کتاب سیوطی برای محققان ابهام‌آمیز و نامفهوم به نظر می‌رسد کاملاً توضیح داده، و
ان شاء الله تعالی یک مجموعه مبسوط و مفصل — که به چندین مجلد خواهد رسید — در
اختیار دانش پژوهان قرار خواهم داد.

کتابهایی که تاکنون در زمینه «اسباب النزول» نگارش یافته — به جز آنچه در
کتاب «الاتقان» سیوطی و «البرهان» زرکشی، و چند کتاب محدود از متأخرین آمده —
فاقد هرگونه طرح علمی و سیستم و ترتیب منطقی است. یعنی کتابهای قنماء درباره
اسباب النزول، فقط به نقل روایات و آثار محدود است که می‌توان آنها را در طی اکثر
کتاب نفس به دست آورد.

باید بدانیم که سیوطی از کتاب «لباب النقول» خود می‌ستاید، باید گفت این کتاب
نمی‌تواند بی‌نگیجگی کارآئی علمی برای مؤلف آن باشد؛ بلکه صرفاً ضمن آیاتی که
دارای اسباب النزول خاصی است به سرد و نقل روایات پرداخته که حتی برای هر فرد
عرب‌زبانی که حد قلیل خواندن و نوشتن آشناست، نگارش چنین کتابی امکان‌پذیر
بوده است.

سیوطی در کتاب الاتقان — ب جهت نگارش «لباب النقول» — کتاب
«اسباب النزول» واحدی نیشابوری را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد، و به جعبری یورش
می‌برد و سرانجام می‌گوید هیچکس بر این کتاب چنین کتابی، با این کیفیت،
پیشتر نیست.

باید به وی گفت: همه مفسرانی که نوشته‌های زرکشی را در باب و احادیث دیگری
را که در کتب تفسیر خود بازگو کرده‌اند، همگی — از عالی‌ترین — بر توهین در این زمینه
پیشتر هستند.

باری، این کتاب ما — علاوه بر احتواء بر آراء و نوشته‌های سیوطی — دارای
سیستم و ترتیب و یژه‌ای است که محصول صرف فرصتهای طولانی است و نگارنده رنج
کوشش و تلاش مربوط به آنرا بر خود هموار ساخته تا گام نخستین را در این زمینه بردارد؛
چرا که علاوه بر آراء اهل سنت، نظریات شیعه نیز در آن منعکس است و می‌تواند
پاسخگوی نیازهای فریقین در زمینه مسائل مربوط به «اسباب النزول» باشد.

از خداوند متعال می‌خواهم مرا بر تدوین مجلدات دیگر این مجموعه — که

قسمتهائی از آن سالها پیش فراهم آمده— موفق بدارد تا از این رهگذر بتوانم دین خود را نسبت به اسلام و اهل البیت (علیهم السلام) اداء کرده و ره توشه‌ای برای سفر از دنیا به آخرت نصیب خود و والدین و نیاکان خود سازم.

از همه محققان و دانش پژوهان و دست‌اندرکاران علوم قرآن می‌خواهم، بر سبیل لطف، نقائص و نواقص این نوشته را یادآور شوند و با دید انصاف و تقوای علمی درباره این کتاب و نقد مطالب آن قضاء و داوری کنند. لذا با توجه به این شرائط می‌خواهم اگر احیاناً به لغزشهایی در آن واقف می‌شوند یادآور گردند تا هفوات موجود در آن روبه کاهش نهاده و از کمال نسبی برخوردار شود؛ چرا که هیچ کتابی جز کتاب خدا نمی‌تواند به طور مطلق، کامل باشد.

بنابراین تفتنهای محققان بی‌غرض می‌تواند به این نوشتار در جهت کمال نسبی آن مدد رساند تا مرا سپاسگزار خود سازند.

و چون — به خواست خداوند متعال — در صد تهیه و تدوین مجموعه‌ای مفصل و عمیق علوم قرآن هستم، و این مجموعه تحت عنوان «کاشف‌های در علوم قرآن» به دست کتاب‌های متعدد و مستقلی درمی‌آید، ناگزیر باید سخن را در مقدمه این کتاب کوتاه — زم، فصول سخن را به مجلدات دیگر حواله دهم.

خدایا تریب — می‌دانی در چه شرائط و احوالی بدین کار سرگرم بودم که نه فراغ‌بال و نه آسایش و نه انتظامی در احوال مرا بود؛ بلکه در حالی خویش را بدین کار واداشتم که سزاوار گارش آن خودداری می‌کردم «وَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَ خُزْنِي إِلَى اللَّهِ».

اما پروردگارا این بند تود را بر اینهمه نعمتهائی — که مرا مشمول آن قرار دادی و من نه در خور آن بودم — ببخش و شرم‌آورم؛ شرم‌سارم که نتوانستم کمترین مراتب شکر و سپاس نعمتهایت را به جای آورم، از انگ‌هایی که بر اثر حب دنیا در آن غوطه‌ورم در برابر نوسخت سرافکننده بوده، از تو بخواهم. امیدوارم من و پدر و مادر و نیاکانم و همه اهل ایمان را در ظل رحمت و اسیعة خود مشایخ و آموزش قرار داده، به ویژه مرا که بیش از همه به عفو و غفران، و مرحمت و رضوان تریبازمندم، از مغفرت خویش برخوردار سازی.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَالِيهِ انبِئ

العبد المفتاق الی رحمة ربّه العافر الغنی:

السید محمد الباقر الحسینی «حجتی»